Research@kayhan.ir

کیهان

ویژه‌نامه تبیین شخصیت جامع رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای- ۷

گزیده‌ای از شماره ۲۷ نشریه علمی فرهنگی «خط»

نزدیک‌ترین بینش سیاسی به امام شهید

بررسی اوصاف لازم برای رهبری در شخصیت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای در بیان آیت‌الله محمود رجبی، عضو هیئت‌رئیسه مجلس خبرگان رهبری

شخصیت علمی

آیت‌الله سـید مجتبی حسینی خامنه‌ای به لحاظ علمی شخصیت بسیار برجسته‌ای هستند. ایشان از اساتید بسیار بزرگی استفاده کرده‌اند: ۱۵ سال غیر از دروس سطح، درس خارج رفته‌اند و از آیات عظام وحید، شبیری زنجانی، شیخ جواد تبریزی بهره برده‌اند. ایشان در دوران تحصیل غیر از درس آیت‌الله مؤمن، چون علاقه‌مند بودند که بحث را گسـترده‌تر پیش ببرند و عمیق‌تر کار کنند، دروس دیگر هم رفته‌اند و در درس‌ها هم از شـاگردان فعال و نقاد و بانشاط بوده‌اند. خود این، اندوخته علمی بزرگی ایجاد می‌کند و جایگاه علمی بالایـی را حاصل می‌کند. بعد از این هم تدریس را شروع کرده‌اند. ایشان ۱۵ سال هم در فقه و اصول درس خارج گفته‌اند. این مقدار درس خارج نشانه اجتهاد ایشان است.

با اینکه آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای مدت کوتاهی خدمت آیت‌الله مؤمن رسیده بودند، اما آیت‌الله مؤمن گفته بودند: ایشـان از نظر علمی قوی اسـت. بخش‌هایی از درس خارج آیت‌الله مؤمن را هم با قلم خودشان نوشته‌اند. این بحث‌ها را تعدادی از اساتید قوی حوزه مطالعه کرده‌اند و گفته‌اند قطعاً کسی که این را نوشته است، مجتهد است. بلکه بعضی گفته‌اند ما همین بحث را در مباحث آیت‌الله خویی و دیگران مطالعه کردیم؛ خودمان در این زمینه بحث و فکر کرده‌ایم؛ یکی از عزیزان می‌گفت حـدود ۱۰۰ صفحه خودم تحقیق نوشـتم و اگر تقریر ایشـان برتر از آنها نباشد، حداقل در تراز آنها است. بنابراین از نظر فقه و اصول و اجتهاد ایشان یک مجتهد مسلم است و هیچ تردیدی در این زمینه وجود ندارد.

در عرصه‌های دیگر هم مثل علم رجال، خود آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای تحقیق کرده‌اند؛ چون فقه به رجال نیاز دارد و اگر کسی در رجال مجتهد نباشـد، نمی‌تواند اجتهاد قوی را داشته باشـد. برخی علوم دیگر هم کـه مجتهد نیاز دارد و لازمه اجتهاد اسـت را هم ایشان مسلط هستند.

> **این انتخـــاب به نظر من پاداش وفاداری و عشــق مـــردم به رهبر شـــهیدمان بود. دیدیم که مردم صحنه جامعه را رها نکردند. مرحـــوم آقای مصباح رحمةالله علیه می‌فرمودند: اگر ما به وظیفه‌مان عمل کنیم، خدا خوب می‌داند که چگونه پاداش بدهد. ایـــن انتخاب، پاداش آن ایثار و ولایتمداری امت ما بود.**

شخصیت سیاسی

از نظر مباحث سیاسی- اجتماعی هم انصافاً ایشان شخصیت ممتازی هستند. در این مسائل هم مشرف و هم صاحب‌نظرند. آقای حداد عادل می‌گفتنـد: وقتی آقا برای خواسـتگاری دختر ما اقدام کردند، یک وقتی خدمتشـان رسیدم، به من فرمودند: بدان این کسـی که داماد شما می‌شود، از نظر بینش سیاسی در میان فرزندانم نزدیک‌ترین فرد به من است. مقام معظم رهبری با این بینش واقعاً بی‌نظیر فرمودند نزدیک‌ترین فرد از این نظر به من، آقا سید مجتبی هستند. البته مقام معظم رهبری هیچ‌گاه سمت رسمی به فرزندان‌شـان ندادند؛ مثلاً فلان مقام و نهاد رسمی دولتی و... اما در عین حال در عرصه‌های مختلف بدون عنوانِ رسمی، مسئولیت‌هایی به ایشان می‌دادند؛ مثلاً ساماندهی نیروهای انقلابی که این امری سیاستی- اجتماعی است.

ایشـان مدتی در قم تحصیـل کردند، بعد رفتند تهران. بعد که می‌خواستند به قم برگردند، مقام معظم رهبری فرمـوده بودند: فعلاً تهران بمانید و نیروهـای انقلابی را که همه وفادار به انقلاب هستند اما سلیقه‌های مختلفی دارند را یکپارچگی و انسجام بدهید. ایشان مسئول این کار شد. ایشان خودشـان یک کمیته تشکیل دادند تا نیروهای انقلاب هماهنگی و انسجام و هم‌افزایی داشته باشند و بهتر بتوانند به رسیدن انقلاب به اهداف خود کمک کنند.

در مسائل دیگر گاهی پیش می‌آمد مسئول درخواست ارتباط با آقا را داشتند یا گاهی خود آقا پیامی داشت و نیاز به ارتباط بود، آقا فرموده بودند ایشان واسطه ما هستند و ایشان وقتی چیزی را می‌گویند، شما خاطرتان جمع باشدکه حرف من را می‌گویند. یعنی عملاً ایشان ورود در عرصه‌های مختلف مسائل نظام داشته‌اند، بدون اینکه سمتی داشته باشند. ایشان بدون مداخله طرح می‌دادند و کمک می‌کردند در جهت پیگیری منویات مقام معظم رهبری یا رفع یک مشکلی که می‌دیدند در یک پروژه‌ای هست و پیشنهاد ایشان می‌تواند این مسئله را حل کند. ایشان در مسئله مسکن، تحول در کشـاورزی، در مسائل اقتصادی و در هوش مصنوعی ورود داشتند. یکی از مسئولین در حوزه مسائل کشاورزی که به آب مربوط بود، در یک جلسـه‌ای حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی از ایشان سؤالی کرده بودند، ایشان گفته بود من به خیلی از مسئولین که گزارش می‌دادم، فقط می‌گفتند: خیلی خوب است و...، تنها کسی که به صورت فنی با من بحث می‌کردند و نظر و پیشنهاد می‌دادند، شخص آقا سید مجتبی بودند. یعنی با آن هوش و استعداد بالا در عرصه‌هایی که وارد می‌شدند، این نبود که تنها تأیید کنند، بلکه اظهار نظر می‌کردند و در جهت پیشـرفت آن کار پیشنهاد می‌دادند.

بنابراین اشـراف ایشان به وضعیت کشور و مشـکلات آن محرز بود و بـه فکر راهکارهایی برای حل مسائل کشـور بودند. یکی از عزیزان می‌گفتند: ایشـان طرح‌ها و راه‌حل‌هایی برای حل مشکلات کشور دارند.

در مسـائل جبهه مقاومـت یکی از عزیزان مطرح می‌گفتند: مـن به افراد مختلف گزارش جبهه مقاومت را می‌دادم اما به ایشان که گزارش می‌دادم، انگار ایشان آنجا بوده و همه مسائل را می‌دانند؛ یعنی در مسـئله جبهه مقاومت هم ایشان خیلی مسلط و مشرف به کار بودند. ایشان ارتباط‌شان با مسئولین رده‌بالای نیروهای مسلح هم برقرار بوده اسـت و آنها گاهی می‌آمدند و مشـورت می‌گرفتند. یکی از اعزه می‌فرمودند: من وقت گرفته بودم که با ایشـان جلسـه‌ای داشـته باشـم. رفتم آنجا و دیدم ایشان قبل از من با شـهید سـلامی راجع به مسائل نظامی جلسه داشتند. غرض این است که در عین حال که سمتی نداشـتند، اما حضور در عرصه‌های مختلف مسائل و مشکلات کشور و ارائه طرح و پیشنهاد و اظهار نظر، ویژگی ایشان بود. خیلی‌ها نمی‌دانستند و داعیه‌ای هم نبود که این مسائل مطرح شـود. ما پیگیر که شدیم، متوجه شدیم ایشان در مسائل جبهه مقاومت جلساتی با شهید حاج قاسم سلیمانی و سید حسن نصرالله داشتند و مشرف بودند و حتی بعد از سید حسن نصرالله هم ایشان جلساتی داشتند. بعد از انتخاب آیت‌الله سـید مجتبی خامنه‌ای آنهـا هم خیلی دلگرم شدند و این انتخاب مایه قوت دل و نشاط برای آنها هم شد.

بنابراین ویژگی‌هایی که در قانون اساسی برای رهبر آمده است، ما برایمان محرز شد که ایشان بحمدالله به‌رغم آنکه خودشان را در معرض قرار نداده بودند، وقتی رفتیم و درصدد این ویژگی‌ها برآمدیم، دیدیم که بالاتر از آنکه دیگران دارند، در ایشان هست.

بصیرت ایشان در مسائل سیاسی و شجاعت ایشـان در برابر دشـمن و استکبارستیزی، از ویژگی‌های مهم اسـت. دو چیز را مقام معظم رهبری برای جمعی از خبرنگاران در مورد رهبر آینـده به‌صورت ویژه تأکید کـرده بودند: یکی استکبارستیزی است که این بسیار مهم است و یکی هم پاکدستی. چون ثروت زیادی زیر دست رهبری است و بحمدالله در این دو امر هم ایشان در سطح بسیار بالایی است. ایشان بعد از ازدواج فرش برای منزل‌شان نداشتند؛ موکتی داشتند که نصف اتاق را پر می‌کرده اسـت و خانه‌شان هم اجاره‌ای بوده است. یعنی در حد موکت هم پولی نداشـتند که خانه را کاملاً بپوشانند؛ این زهد ایشان است.

شخصیت معنوی

درخصوص جنبه‌های معنوی که در تقوا لازم است؛ ایشان از اساتید بزرگ اخلاق بهره‌گیری داشـته‌اند. ایشـان با مرحوم آقای بهاءالدینی، آیت‌الله کشـمیری، احمدی میانجی و اساتید اخلاق برجسـته مرتبط بودند و تربیت شدند. آن چیزی که نیاز داریم در یک رهبر که ابعاد و شاکله معنوی شکل گرفته باشد را دارا هستند. این تربیت و تدبیری که رهبر انقلاب نسبت به تربیت فرزندان‌شان داشتند هم واقعاً الگو است.

پاسخ به یک شبهه

نسبت به دو شبهه که گاهی در انتخاب ایشان مطرح می‌شود توضیح عرض کنم.

۱- موروثی بودن یعنی معیار فقط این است که این فرزند فرد قبلی است. در قانون اساسی دقیقاً ترسیم کرده که اگر رهبری از دنیا رفت یا شهید شد، سازوکار و شرایط رهبر بعدی چیست. اگر کسی مجتهد، عادل، مدیر، مدبر، شجاع، با تقوا نباشـد یا قوت اداره کشور را نداشته باشد، نمی‌تواند رهبر باشد. حالا اگر کسی این شرایط را داشت، حالا فرزند رهبری باشد، چه اشکالی دارد؟ معیار این است که این فرد در این شرایط بر همه کسـانی که در مظان رهبری هستند، برتری داشـته باشد. طبق قانون اساسی شرط نیسـت که رهبر، فرزند رهبری نباشـد. اصلاً این عاقلانه اسـت که بگوییم همه شرایط را از دیگـران بالاتر دارد، اما چون فرزند رهبر قبلی است انتخاب نشود؟

در قانون اساسـی هسـت که خبرگان باید کسـانی که در مظان رهبری هستند را بررسی کنند و اگر کسی برتر است، او را انتخاب کنند؛ اگر هم مساوی بودند، یکی را انتخاب کنند. اینجا با اینکه به نظر خیلی از آقایان، دیگران اصلاً قابل مقایسه نبودند، در عین حال آنها هم مطرح شدند و رأی‌گیری شد. بنابراین ذره‌ای شبهه موروثی بودن وجود ندارد. مردم [در انتخابات خبرگان] رأی داده‌اند به کسانی که شرایط داشته‌اند، حالا [منتخبین] آمده‌اند در یک شرایط آزاد که افراد دیگری هم بوده‌اند، رأی‌گیری کرده‌اند. بنابراین ذره‌ای شبهه موروثی بودن نبوده است.

۲- منع رهبری هـم آنچه که مطرح بوده، این است که فرزندان‌شان سِمَت رسمی در نظام نداشته باشند. کسـانی به اشتباه این را تعمیم داده‌اند که کسی هیچ موقع هیچ سِمَتی نداشته باشـد. این کار کاری است که وظیفه خبرگان است؛ هرکسی را انتخاب کنند، انتخاب می‌شود؛ رهبری هم نفیاً و اثباتاً نظری نداشته‌اند. برخی عزیزانی که در خبرگان هستند، فرموده بودند: من به‌خصوص سـؤال کردم [در مورد جانشین ایشـان] و رهبری فرمودند: نفیـاً و اثباتاً هیچ نظری نمی‌دهم.

ما خدا را شکر می‌کنیم که بار دیگر لطف خدا و عنایات حضرت بقیه‌الله شامل حال ملت ما شد و رهبری که خلف صالح رهبر شهیدمان بود، سکان رهبری را به دسـت گرفت؛ کسـی که مطمئن هستیم ویژگی‌ها و بینش ایشان به رهبری معظم شباهت بسـیاری دارد. خاطرمان جمع است با آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای همان مسیر امام و رهبر شهیدمان با قوت ادامه پیدا خواهد کرد و از خدای متعال و حضرت بقیه‌الله تشکر می‌کنیم که دل‌ها را متوجه این وجود شریف کرد. بنده هم به عنوان یک طلبه از عمق جانمان و از روی معرفت به اینکه نظریه ولایت فقیه یکی از اصول مسلم اسلام ناب محمدی است و نظریه‌ای است که در سطح جهان به‌عنوان برترین نظریه حکمرانی و حکومتی بتواند مطرح باشد، هست و با این اعتقاد که ایشان نائب امام زمان هستند با ایشان بیعت می‌کنم و تا پای جان حاضرم فرمایشات ایشان را آن‌گونه که امر بفرمایند اطاعت کنم.

ایـن انتخاب به نظر من پـاداش وفاداری و عشـق مردم به رهبر شهیدمان بود. دیدیم که مردم صحنه جامعه را رها نکردند. مرحوم آقای مصبـاح رحمه‌الله علیـه می‌فرمودند: اگر ما به وظیفه‌مان عمل کنیم، خدا خوب می‌داند که چگونه پاداش بدهد. این انتخاب، پاداش آن ایثار و ولایتمداری امت ما بود.

ان‌شاءالله خداوند سایه ایشان را سالیان دراز بر سر امت اسلامی به‌خصوص ملت ما مستدام بدارد و ایشان را در پناه خودش حفظ کند و هر روز بر عزت و اقتدارشان بیفزاید و آن پرچمی که فکر می‌کردیم به دست پدر بزرگوارشان به دست حضرت بقیه‌الله می‌رسد، به دست ایشان تقدیم حضرت‌شان شود و دوران رهبری ایشان دوران زمینه‌سازی برای ظهور حضرت باشد.

> **آقای حداد عـــادل می‌گفتند: وقتی آقا برای خواســـتگاری دختـــر ما اقـــدام کردند، یک وقتی خدمت‌شـــان رسیدم، به من فرمودند: بدان این کســـی که داماد شـــما می‌شود، از نظر بینش سیاسی در میان فرزندانم نزدیک‌ترین فرد به من است.**

> **رهبر شهید هیچ‌گاه سمت رسمی به فرزندان‌شان ندادند؛ اما در عین حال در عرصه‌های مختلف بدون عنوان رسمی، مسئولیت‌هایی به ایشان می‌دادند؛ مثلاً ساماندهی نیروهای انقلابی که این امری سیاستی -اجتماعی است... در مسائل دیگر گاهی پیش می‌آمد مسئول درخواست ارتباط با آقا را داشتند یا گاهی خود آقا پیامی داشت و نیاز به ارتباط بود، آقا فرموده بودند ایشان واسطه ما هستند و ایشان وقتی چیزیِ را می‌گویند، شما خاطرتان جمع باشدکه حرف من را می‌گویند. یعنی عملاً ایشان ورود در عرصه‌های مختلف مسائل نظام داشته‌اند، بدون اینکه سمتی داشته باشند... اشراف ایشان به وضعیت کشور و مشکلات آن محرز بود و به فکر راهکارهایی برای حل مسائل کشور بودند... ویژگی‌هایی که در قانون اساسی برای رهبر آمده اســـت، ما برایمان محرز شد که ایشان بحمدالله به‌رغم آنکه خودشان را در معرض قرار نداده بودند، وقتی رفتیم و درصدد این ویژگی‌ها برآمدیم، دیدیم که بالاتر از آنکه دیگران دارند، در ایشان هست.**

ایستگاه خیابان روزولت؛ روایتی از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا- ۳

محمد محبوبی

شاگردان دبیرستان هندرسون

فصل اول

ما ساختمان سفارت را به افتخار لوی هندرسون، دبیرستان هندرسون می‌خواندیم؛ کسی که در موقع احداث ساختمان سفارت و پس از کمک سی‌آی‌ای به سرنگونی مصدق، رئیس آن بود. (هنری پرکت، مدیر میز ایران در وزارت امور خارجه آمریکا)

نقطه آغازین مناسبات دوجانبه دولت‌های ایران و ایـالات متحده آمریکا به عصر قاجار و سـال‌های پرتلاطم رقابت بریتانیا و روسیه در منطقه، موسوم به «بازی بزرگ» بازمی‌گردد. روابط دیپلماتیک ایران و آمریکا در حالی شـروع شد که دولت آمریکا سیاست انزواگرایـی را اتخاذ کرده و فارغ از کشـمکش‌های اوراسـیایی، تمرکز خود را بر اقتصـاد قرار داده بود. اگرچه نخستین وزیرمختار آمریکا در تهران در دوره پادشاهی ناصرالدین‌شاه مشغول به کار شد. اما سفارت آمریکا در تهران تا سال‌های قدرت‌گیری رضاشاه ملکی از آن خود نداشت.

اولین سفارتخانه آمریکا در تهران، یک عمارت و باغ ییلاقی بزرگ در نزدیکی ده جعفرآباد شـمیران، بیـرون دروازه‌های شـهر تهران، بود. ایـن مکان را ساموئل بنجامین، نخستین وزیرمختار آمریکا، اجاره کرده بود. او در سـفرنامه خود در این باره نوشت: «از نظر اقتصادی البته بهتر بود که محلی را برای سفارت خریداری می‌کردیم یا مانند بعضی از سفارتخانه‌های خارجی، آن را برای مدت‌طولانی بیش از ده یا بیست سـال اجاره می‌کردیم، ولی وضع خراب خزانه‌داری آمریکا و کمی بودجه، اجازه خرید را نمی‌داد و اجاره طولانی هم به علت مخالفت کنگره و روشـن نبودن سیاست امکان نداشت.» سفارت آمریکا در تهران در حالی از داشتن ملک و عمارت درون شهر محروم بود کـه نمایندگی‌های قدرت‌های بـزرگ اروپایی مانند بریتانیا، روسـیه، فرانسـه، اتریش، عثمانی و ایتالیا، نه‌تنها از سـفارتخانه‌های بزرگی بهره می‌بردند، بلکه باغات سرسبز و وسیعی در شمیرانات و دهات شمال تهران در اختیار داشتند.

مدت‌ها بعد آمریکایی‌ها موفق شـدند سفارتخانه خود را به شـهر منتقل کنند. در سـال‌های خون‌بار جنگ جهانـی اول، جان کالـدول، وزیرمختار وقت آمریـکا در تهران، یک عمارت دوطبقه مابین خیابان فردوسی و خیابان ارباب جمشید را از سردار معتضد[1] اجاره و سفارتخانه را در آنجا مستقر کرد. «بالای سردر، تابلوی سفیدی بود [که] روی آن به انگلیسی نوشته شده «تحت حمایت دولت آمریکا» یک بیرق آمریکا هم بالای این سردر بود. قسمتی از این عمارت، منزل وزیرمختـار آمریکا و خانواده‌اش بود و بخش دیگری، برای ادارات سـفارتخانه در نظر گرفته شد. در سال ۱۳۰۰، زمانی که کالدول واپسین روزهای مسئولیت خود را سپری می‌کرد، سفارت آمریکا در تهران به ملک همیشگی خود نقل‌مکان کرد. این ملک یکی از باغ‌های بزرگ حاجی عبدالله‌خان قراگوزلو (امیرنظام) بود که پس از مرگش در سال ۱۲۹۵ شمسی، به فرزندانش به ارث رسیده بود. باغ قراگوزلو خارج از دروازه‌های شهر و محدوده شهرداری تهران بود، خیابان‌کشی شهری نداشت و تنها معبری که از آنجا می‌گذشت، یک جاده خاکی از دروازه دولت به عباس‌آباد بود؛ جاده‌ای که سی سال بعد خیابان روزولت نام گرفت. آمریکایی‌ها این باغ را از منصورعلی‌خان قراگوزلو (سـردار اکرم)، فرزند امیرنظام، اجاره و پس از تعمیر عمارت موجود در باغ سفارت آمریکا را در مکان جدید برقرار کردند.

سـفارت آمریکا در تهران سـال‌ها مستأجر باغ قراگوزلو بود تا این کـه در آبان ۱۳۰۷، آمریکایی‌ها آنجا را به بهائی تقریباً معادل شصت‌هزار دلار خریدند و در اردیبهشت ۱۳۱۲ به نام «سفارتخانه دوَل متحده آمریکا» به ثبت رساندند. برخلاف سایر سفارتخانه‌هایی که در عصر قاجار و پهلوی در تهران مسـتقر بودند، اسـتقرار سـفارت آمریکا مقدم بر توسعه شهری آن منطقه بود به همین خاطر موقعیت محوطه سـفارت آمریکا در نام‌گذاری معابر شهری اثر گذاشت.

در سال ۱۳۲۳ انجمن شهر تهران نام تازه‌ای برای جاده عباس‌آباد برگزید و شـهردار تهران، عباسقلی گلشـائیان؛ روز اول تیر ۱۳۲۳ از تابلوی سنگی اسم جدید خیابان رونمایی کرد. شهردار تهران برای تجلیل از رهبران بریتانیا، شوروی و آمریکا که چند ماه قبل در کنفرانس تهران شـرکت کـرده بودند، در حضور نمایندگان سیاسی این سـه قدرت بزرگ، سه معبر پایتخـت را چرچیل، اسـتالین و روزولت نام نهاد.[2] بدین ترتیب جاده عباس‌آباد به نام رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، فرانکلیـن روزولت، ضرب خورد و به «خیابان روزولت» تغییر نام داد.

خیابانی که از ضلع جنوبی سفارت آمریکا در تهران می‌گذشت، حوالی سال ۱۳۱۹ خیابان تخت‌جمشید نام گرفت. پیش‌تر این معبر، به خیابان کارخانه رشته‌سازی شهرت داشت. زیرا کارخانه رشته فرنگی لوبل در آن واقع شـده بود. وجه تسمیه خیابان تخت‌جمشید بر ما پوشـیده اسـت، اما به نظر می‌رسد این نام‌گذاری با پایان مأموریت هیئت باستان‌شناسان آمریکایی در بقایای تخت‌جمشـید بی‌ارتباط نبوده باشد. افزون بر خیابان‌های روزولت و تخت‌جمشید. معبر ضلع غربی سـفارت آمریکا هم کوچه آمریکا نام داشـت که این اسم‌گذاری بی‌گمان از وجود سفارتخانه رنگ می‌گرفت.

عمارت نوساز باغ امیرنظام

با استقرار سفارت آمریکا در باغ امیرنظام، عمارت مجلل ولی کهنه باغ به ساختمان اصلی سفارت تبدیل شـد. عمارت امیرنظام برای سال‌های طولانی میزبان دیپلمات‌ها و مأموران آمریکایی بود، تا آن که واشنگتن تصمیـم گرفت بناهای جدیدی در محوطه بسـازد. می‌توان سرآغاز ساختمان‌سازی مدرن سفارت آمریکا را تخریب بخشی از سازه فرسوده امیرنظام دانست. در بهمن ۱۳۲۳ قسمتی از سقف عمارت در اثر بارش برف فروریخت و آمریکایی‌ها را به فکر احداث ساختمان‌های جدیدی انداخت.

ساخت‌وسازهای سفارت آمریکا در تهران با خاتمه جنـگ جهانی دوم در سـال ۱۳۲۴ آغاز شـد. ابتدا مجموعه ادارات سـفارت آمریکا به ساختمان نوساز سفارت آلمان، واقع در خیابان فردوسی، منتقل شد؛ چراکه پس از اشـغال ایران در شهریور ۱۳۲۰، قوای متفقین سفارت آلمان را تعطیل و تمام دیپلمات‌ها و مأموران آلمانی را از ایران اخراج کردند. چندی بعد و در سال ۱۳۲۷ معماران اداره ساختمان‌های خارجی ایالات متحده طراحی ساختمان بزرگ سفارت آمریکا در تهران را به پایان رساندند و عملیات احداث آغاز شد: عمارتی دوطبقه به همراه یک طبقه زیرزمین، طویل ولی کم‌ارتفاع، بانمایی از آجرهای سرخ‌رنگ که با نمای ساختمان‌های تهران چندان هم‌گون و هم‌خوان نبود.

ساخت‌وسـاز بنای جدید سفارت آمریکا در سال ۱۳۳۰ به پایان رسـید.[3] روز ۱۴ شـهریور ۱۳۳۰، جابه‌جایـی دوایر مختلف سـفارت آمریکا از عمارت سـفارت کبرای آلمان به سـاختمانِ جدید آغاز شد و سـفارت آمریـکا در تهران عمـلاً فعالیت خود را در ساختمان سـرخ‌رنگ و نوساز آغاز کرد.[4] لوی هندرسـون، نخسـتین سـفیری بود که در عمارت جدید مشغول به کار شد. به همین سبب، کارمندان سفارتخانه پس از بازی‌گردانی سازمان سی‌آی‌ای در کودتای سال ۱۳۳۲ و سرنگونی دکتر محمد مصدق، سازه نوبنای سـفارت را «دبیرستان هندرسون» نام نهادند. به اعتقاد آن‌ها، نمای خارجی عمارت تازه‌ساز خیابان روزولت شباهت فراوانی به دبیرستان‌های دولتی آمریکا داشت. درست مانند نمای خارجی سفارتخانه، معماری داخلی آن هم دبیرستان‌های دولتی آمریکایی را تداعی می‌کرد: یک راهروی دراز در امتداد ساختمان که دو طرف آن، اتاق‌های پرشماری جاگیر شده بودند.

اهمیت طبقات زیرزمین، همکف و دوم سفارتخانه به ترتیب خود طبقات بود؛ طبقه زیرزمین کم‌اهمیت‌ترین و طبقه دوم مهم‌ترین اماکنِ به شمار می‌رفتند. طبقه زیرزمین سـفارتخانه عمدتاً بخش‌هـای خدماتی و پشتیبانی را در خود جای داده بود. اتاق ترجمه مکاتبات سیاسی، اتاق مخابرات و تلفنخانه، اتاق امحای مدارک اضافـه، دبیرخانه، بوفه و رختکن نظافتچی‌ها همگی در زیرزمین قرار داشتند. در طبقه همکف، شماری از ادارات مهم سفارتخانه مشغول به کار بودند. محل کار بخش امنیت، بخش استخدام، بخش بازرگانی، بخش کشـاورزی و بخش اداری همگـی در طبقه همکف ساختمان اصلی بود. به‌علاوه کتابخانه، اتاق کنفرانس و نگهبانـی تفنگداران دریایی هم مابقی فضای طبقه اول را پر کرده بودند.

کلیدی‌ترین بخش‌های سـفارت آمریکا در طبقه دوم ساختمان اصلی متمرکز شده بودند. دفاتر سفیر، کاردار، رئیس بخش سیاسی، رئیس کنسولگری‌های تهران و شهرستان‌ها، دستیار مخصوص سفیر و اتاق تفنگداران دریایی دورتادور راهروی طبقه دوم را احاطه کرده بـود. افزون بر این دفاتـر و ادارات، نمایندگی سی‌آی‌ای در تهران و اتاق رمز هم در همین طبقه قرار داشتند. بزرگ‌ترین اتاق این طبقه متعلق به سفیر بود. هنری پرکت دفتر سـفیر آمریکا در تهران را این‌گونه توصیف می‌کند: دفتر [سفیر] در واقع به یک معنا شبیه دفتر مدیر مدرسـه بود: یک میز تحریر مسلط دریک گوشه، یک نقشه سقف تا کف از خشکی‌های اروپا- آسیا بر روی یک دیوار، و بر دیوار دیگر، پنجره‌های بزرگی که به محوطه وسیع سفارت باز می‌شدند. یک قالی بزرگ طرح گلدانی تبریز کف را پوشانده بود.

انتهای بال شرقی همین طبقه، اتاق رمز سفارت بود. ماشـین‌های رمز، محل کار کارکنان اتاق رمز و گاوصندوق همگی در این اتاق قرار داشتند. این اتاق از بتن مسلح ساخته شده بود و عایق صدا داشت. در یکی از اسناد اداره کل هشتم ساواک (ضد جاسوسی) نوشته شده: «از لحظه‌ای که در اطاق رمز باز می‌شود تا ساعاتی که تنها در اطاق، لاک‌ومهر شده و تحویل گارد نیروی دریایی می‌شود، هیچ‌کس به‌جز کارکنان اتاق رمز (حتی سـفیر آمریکا) حق ورود به این اطاق را نـدارد و تنها از یک دریچه کوچـک با مراجعین مکالمه می‌شود».

پانوشت‌ها:

۱- امیر اسدالله‌خان دنبلی (بهجت‌الملک) که بعدها به «سردارمعتضد» ملقب شد، از امرا و حاکمان عصر ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه بود. او در عصر نادری، نایب‌الحکومه و فرمانده لشکر کرمان و بلوچستان و در عصر مظفری، حاکم شیراز و فرمانده قشون آذربایجان بود.

۲- اطلاعات، ۳ تیر ۱۳۲۳ ص ۱. خیابان چرچیل در ضلع شـمالی سـفارت انگلیس قرار داشت و «خیابان‌های حافظ و فردوسی را به یکدیگر متصل می‌کرد. خیابان چرچیل در سال‌های پس از پیروزی انقلاب به نوفل‌لوشاتو تغییر نام داد. خیابان اسـتالین هم معبری شمالی- جنوبی بود که به در جنوبی سفارت شوروی می‌رسید. بعد از آن‌که انقلاب اسـلامی به پیروزی رسـید. نام خیابان استالین به میرزاکوچک خان تغییر یافت.

۳- پیمانکار احداث ساختمان جدید سفارت آمریکا، شخصی یهودّی و عرب به نام مثیر عبدالله بود. اگر فرآیند سـاخت عمارت نوبنیان سفارت آمریکا را هماهنگ با پرداخت وجوه مقاطعه‌کاری مثیر عبداله بدانیم، احداث سفارتخانه از ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰ به طول انجامید. (سازمان اسناد ملی ایران» سند شم ۲۶۰-۷۶۳۷۰-۹.)

۴- اطلاعـات، ۱۴ شـهریور ۱۳۳۰، ص ۱. طبق همین گزارش، از آنجا که روابط سیاسـی دولت‌های ایران و آلمان از سر گرفته شده. دولـت آلمان غربی به‌زودی نمایندگی خود را در عمارت سـفارت آلمان برپا خواهد کرد.

خاطرات «جرد کوشنر» داماد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا- ۳۸

روزهای اول ریاست‌جمهوری ترامپ

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

> **در چنـــد روز اول کار، هر ســـاعت شـــبیه یک مســـابقه بـــود. تیم سیاســـت‌گذاری به تهیه پیش‌نویس ده‌ها فرمان اجرائـــی اقدام کرد تـــا رئیس‌جمهور بتوانـــد به وعده‌هـــای انتخاباتی خـــود عمل کند.**

وقتی من و ایوانکا از کاخ سفید خارج شدیم تا برای اولین‌بار بچه‌ها را به خانه جدیدمان ببریم، دو مرد متشخص خودشان را معرفی کردند و به من گفتند مأموران سرویس مخفی من خواهند بود. تا آن زمان، نمی‌دانستم باید نیروی سرویس مخفی داشته باشم، اما این تنها یکی از تغییرات بسیار در زندگی ما بود. مأمور من رمز سرویس مخفی «مکانیک» را به من اختصاص داد، زیرا آن‌ها مرا به‌عنوان کسـی که آرام و روشمند در حال رفع مشکلات پشت صحنه در طول مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری بود مشاهده کرده بودند. ما به سرعت مأمور سـرویس مخفی خود را به‌عنوان عضو اضافه شده به خانواده دانستیم. بچه‌ها اغلب از جلوی در بیرون می‌دویدند، جایی که مأموران با وفاداری نگهبانی می‌دادند، و در حین صحبت با مأموران، توپ فوتبال را پرت می‌کردند یا پیاده‌رو را با گچ رنگ می‌کردند. سـال‌ها بعد، در ژانویه ۲۰۲۱، مطبوعات به اشتباه گزارش دادند ما به سـرویس مخفی اجازه نمی‌دهیم از دستشویی خانـه ما اسـتفاده کنند. این یکـی از چندین گزارش نادرست بود. وقتی پیشنهاد دادم راهی برای مأموران برای دسترسی به خانه ما و استفاده از سـرویس بهداشـتی ایجاد کنم، رئیس مأموران نپذیرفـت. آن‌ها به‌دنبال فضای بزرگ‌تری بودند تا بتواند به‌عنوان یک پسـت فرماندهی عمل کند. ما یک انباری در داخل خانه خود داشتیم و آن را برای ماموران راه‌اندازی کردیم و تا چهار سال آینده آن را پر از تنقلات، قهوه و سایر نوشیدنی‌ها نگه داشتیم. هر زمان که غذای تحویلی سفارش می‌دادیم، برای آن‌ها هم سفارش می‌دادیم، و یکشنبه‌ها بچه‌های ما عاشق پختن کلوچه و تقسیم آن‌ها با مأموران بودند.

در چنـد روز اول کار، هر سـاعت شـبیه یک مسابقه بود. تیم سیاست گذاری به تهیه پیش‌نویس ده‌هـا فرمـان اجرائی اقدام کرد تـا رئیس‌جمهور بتواند بـه وعده‌های انتخاباتی خود عمل کند. تیم مطبوعاتی شـروع به جست‌وجو درمورد همه چیز از تعداد جمعیت شرکت‌کننده در مراسم تحلیف تا درگیری‌های سطحی در بال غربی کرد.

من سـعی کردم در قلمرو پنهان دولت حرکت کنم، به‌نظر می‌رسـید این کار مملـو از فرآیندها و موانـع بی‌پایان اسـت کـه بـرای جلوگیری از انجـام هر کاری طراحی شـده بودنـد. مهم‌ترین موضـوع در فهرسـت اولویت‌هـای مـن یافتن راه‌حلـی قابل اجرا بـرای توافقنامه تجـارت آزاد آمریکای شـمالی یا نفتا[1] بود که توسط جورج اچ دبلیـو بوش[2] مذاکره شـد و توسـط بیل کلینتون[3] در دهه ۱۹۹۰ امضا شد.

در دهه‌های پس از آن، نفتا ده‌ها هزار شغل تولیدی ایالات متحده را به مکزیک فرستاده بود، کارخانه‌های فولاد و دیگر کارخانه‌ها را در شهرها و روستاهای ایالت‌های میانه غربی تعطیل کرده بود، جایی که نسل‌های کارگر در مشاغل پردرآمد، شـغلی مادام‌العمر ایجاد کـرده بودند و زندگی پایداری برای خانواده خود به‌دست آورده بودند.

وعده ترامپ مبنی بر پاره کردن قرارداد نفتا به مبارزات انتخاباتی جان بخشید و از باورهای عمومی تجـارت آزاد جمهوری‌خواهان خارج شد و منعکس‌کننده اعتقاد دیرینه او مبنی بر اینکه این توافـق به کارگران آمریکایی صدمه می‌زند، بود.

کارگران وقتی کارخانه‌هایشان تعطیل شد، برخی کار جدید پیدا کردند، اما بسیاری از آن‌ها کار جدیدی پیدا نکردند، و مصرف مواد مخدر و جـرم و جنایت اکنون این جوامع کارگری را که زمانی پر رونق بودند، گرفتار کرده است. در حالی که ترامپ موافقت کـرده بود به من اجازه دهد بـرای مذاکره مجدد در مورد توافق تلاش کنم، می‌دانستم که اندازه صبر او چیزی بین مقداری کم و هیچ اسـت. در هر لحظـه، او می‌تواند به تمایل خود برای فسخ کامل قرارداد ۱٫۳ تریلیون دلاری عمل کند. این عدم قطعیت باعث ایجاد عدم اطمینان فوق‌العاده برای بنگاه‌های آمریکایی که با کانادا و مکزیک تجارت می‌کنند، شود- دو بازار بـزرگ صادراتی ما که حدود ۴۰ درصد از صادرات سالانه آمریکا را پوشش می‌دهند. این عدم قطعیت به ما دست ضعیف تری برای بازی در مذاکرات تجاری آتی با چین می‌دهد.

پانوشت‌ها:

۱. North American Free Trade Agreement, or NAFTA

۲. George H. W. Bush ؛ ۴۱ مین رئیس‌جمهور آمریکا

۳. Bill Clinton ؛ ۴۲ مین رئیس‌جمهور آمریکا